هرگز کسی از شما آرزوی مرگ نکند؛ اگر نیکوکار است، چه بسا بر نیکی هایش بیفزاید و اگر گنه کار است، شاید توفیق توبه بیابد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لا يَتَمَنَّ أَحَدُكَم الموتَ، إما مُحسِناً فلعلَّه يَزْدَادُ، وإما مُسِيئاً فلعلَّه يَسْتَعْتِبُ»: «هرگز کسی از شما آرزوی مرگ نکند؛ اگر نیکوکار است، چه بسا بر نیکی هایش بیفزاید و اگر گنه کار است، شاید توفیق توبه بیابد». و در روایتی رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لا يَتَمَنَّ أَحَدُكُم الموتَ، ولا يَدْعُ به من قبلِ أنَ يَأتيَه؛ إنه إذا ماتَ انقطعَ عملُهُ، وإنه لا يَزيدُ المؤمنَ عُمُرُهُ إلا خيراً»: «هرگز کسی از شما آرزوی مرگ نکند و پیش از آن که مرگش فرا رسد، خواهان مرگ نباشد؛ زیرا وقتی بمیرد، عملش قطع می شود و عمر طولانی برای مومن ثمره ای جز افزایش خیر و خوبی برای او ندارد».

[صحیح است] [متفق علیه]

اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «نباید کسی از شما آروزی مرگ کند» نهی وارده در اینجا به معنای تحریم این کار می باشد؛ چون آرزوی مرگ داشتن، به نوعی عدم رضایت به قضا و قدر الهی است؛ درحالی که بر مومن واجب است به هنگام مصیبت صبر کند؛ و اگر چنین کند به دو هدف مطلوب دست می یابد: 1- بخشیده شدن گناهان؛ چون انسان دچار هیچ ناراحتی و نگرانی و اذیت و آزاری نمی شود مگر اینکه الله متعال در قبال آن گناهان وی را می بخشد؛ به بیان دیگر این موارد را کفاره گناهانش محسوب می کند؛ حتی خاری که به بدن او فرو می رود از این قبیل است. 2- اگر امید پاداش به درگاه الهی داشته باشد و به خاطر کسب رضایت الله متعال صبر نماید، به ثواب می رسد؛ اما اینکه آرزوی مرگ کند خود دلیلی بر ناشکیبایی وی بر قضا و قدر الهی و عدم رضایت از آن می باشد؛ این درحالی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می کند که یا انسان از نیکوکاران است که در این صورت آنچه از حیاتش باقی مانده، چیزی جز عمل صالح نخواهد بود؛ چون همین که مومن زنده بماند و لو اینکه در اذیت و آزار و زیان و ضرر باشد، باعث افزایش نیکی هایش می شود. و یا اینکه گنه کار است و عمل بد در پرونده ی خود دارد؛ در این صورت با زنده ماندن چه بسا توبه کند و از گذشته ی بد خود دست بردارد و از الله متعال رضایت طلبیده و عذرخواهی کند؛ و درحالی بمیرد که از بدی هایش توبه کرده باشد؛ بنابراین نباید آروزی مرگ کرد؛ زیرا همه ی امور گذرا هستند؛ پس باید صبر کرد و به امید پاداش بود زیرا پایدار ماندن یک وضعیت محال است. این حدیث اشاره دارد که علت نهی از آرزو کردن مرگ و دعا برای آن، قطع شدن عمل با فرارسیدن مرگ می باشد؛ زیرا زنده ماندن، عمل به دنبال دارد و عمل باعث افزایش ثواب و پاداش می باشد؛ و لو اینکه این عمل محدود به استمرار توحید باشد که البته برترین اعمال است؛ و نمی توان احتمال ارتداد از ایمان را دستاویزی برای جایز شمردن این خواسته دانست؛ زیرا به ندرت ارتداد رخ می دهد؛ بعد از اینکه ایمان در قلب جای گرفت، کسی را یارای خدشه دار کردن آن نیست و بر فرض رخ دادن آن، بسیار نادر است؛ از طرفی کسی که نا فرجامی و بدعاقبتی او در علم خداوند متعال گذشته باشد، حتما گرفتار آن خواهد شد چه عمرش کوتاه باشد یا بلند؛ بنابراین عجله کردن در این مورد با طلب مرگ، هیچ خیری به دنبال ندارد. همچنین این حدیث به غبطه خوردن به نیکیِ نیکوکار و پرهیز از بدیِ بدکار اشاره دارد؛ گویا می گوید: هرکس نیکوکار است باید از آرزوی مرگ دست بکشد و به نیکی خود ادامه داده و آن را افزایش دهد و هرکس بدکار است باید آرزوی مرگ را ترک نماید و از بدی دست بردارد تا بر بدی نمیرد که در این صورت خطر بزرگی متوجه وی می باشد.